



## بت لات

بُت لات نام یکی از سه بت مهم مورد پرستش در **کعبه** بوده است. نام این **بت** در **قرآن** در کنار دو بت دیگر به نام‌های **عزی** و **منت** ذکر شده که از نظر اعراب جاهلی «ختران خدا» به شمار می‌رفته‌اند.

## فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی
- ۲ - خاستگاه لات
- ۳ - جایگاه لات
- ۴ - سرانجام لات
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

## معرفی

دومین بت معروف عرب «**لات**» نامیده می‌شد. لات، یکی از سه **زن** خدای است که در **قرآن** از آن یاد شده است.  
<sup>[۱]</sup> **نجم/سوره ۵۳، آیه ۱۹.**

این بت، سنگ سفید رنگی بود که تنی چند از **یهود**، نزد آن «**سویق**» (**سینوس**) می‌کوبیدند.  
<sup>[۲]</sup> **کلبی**، ابومنذر هشام بن محمد، الاصنام، ترجمه سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴ش، چاپ دوم، ص ۱۱۲.

## خاستگاه لات

درباره پدید آمدن این بت، اسطوره‌هایی در میان مردان قدیم رواج داشته است. آنان لات را منسوب به مردی از **تقیف** می‌دانسته‌اند که روی این **صخره**، نان می‌پخته و به حاجیان می‌فروخته است. بعد از مرگ او «عمر و بن ربیع» به مردم گفته بود که مرد تقیفی به داخل صخره فرو رفته است و مردم را به پرستش آن بت واداشته بود.  
<sup>[۳]</sup> **عبدالمعید خان**، محمد، الاساطیر و الانحرافات عن العرب، بیروت، دار الحدیث، ۱۹۹۳ م، چاپ چهارم، ص ۱۲۸.

## جایگاه لات

لات، بت ویژه مردم **تقیف** بود و آنان برای آن، خانه ساخته بودند و آن خانه را از کعبه برتر می‌دانستند.  
<sup>[۴]</sup> **کلبی**، ابومنذر هشام بن محمد، الاصنام، ترجمه سید محمد رضا جلالی نائینی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴ش، چاپ دوم، ص ۱۱۳.  
این **الله مؤنث**، نزد بابلیان و قبایل عرب، خدای خورشید بود و آن را «**الله فصل تابستن**» می‌دانستند.  
<sup>[۵]</sup> **مسعود**، میخائیل، الاساطیر و المعتقدات العربیه، بیروت، دار العلم، ۱۹۹۳ م، چاپ اول، ص ۱۱۴.  
پرستش لات، هر چند به صورت یک صخره و بدون شکل بود، به سبب اعتقاد به روحی که درون آن وجود داشت، در چارچوب مذهب «**فیتیشم**» قرار خواهد گرفت.

## سرانجام لات

بعد از فراگیر شدن **اسلام**، بزرگان **تقیف** و متولیان **معبد لات**، همراه گروهی (**وفد**) به مدینه آمدند. این هیئت سیاسی، برای تسلیم شهر **طائف**، شرط‌هایی داشتند که یکی از آنها را حفظ بت لات اعلام کردند، اما **پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)** با آنها مخالفت ورزید، حتی آنها خواستار این شدند که فقط تا سه سال دیگر، بت را نگهدارند و در پایان، تسلیم **رای** پیامبر اکرم

(صلی الله علیه و آله وسلم) شوند.  
با این حال، خود، حاضر به شکستن بت نشدند و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به [مغیره بن شعبه](#) و [ابو سفیان](#) دستور داد تا آن [بتکده](#) را ویران سازند.  
[۱۶۱](#) نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آرای بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، کتابخانه شمس، ۱۳۴۲ش، چاپ اول، ص ۳۶۲.

#### پانویس

۱. [↑](#) [نجم/سوره ۵۳، آیه ۱۹.](#)
۲. [↑](#) [کلبی، ابومنذر هشام بن محمد، الاصنام، ترجمه سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴ش، چاپ دوم، ص ۱۱۲.](#)
۳. [↑](#) [عبدالمعید خن، محمد، الاساطیر و الانحرافات عن العرب، بیروت، دار الحدیث، ۱۹۹۳ م، چاپ چهارم، ص ۱۲۸.](#)
۴. [↑](#) [کلبی، ابومنذر هشام بن محمد، الاصنام، ترجمه سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴ش، چاپ دوم، ص ۱۱۳.](#)
۵. [↑](#) [مسعود، میخائیل، الاساطیر و المعتقدات العربیه، بیروت، دار العلم، ۱۹۹۳ م، چاپ اول، ص ۱۱۴.](#)
۶. [↑](#) [نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آرای بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، کتابخانه شمس، ۱۳۴۲ش، چاپ اول، ص ۳۶۲.](#)

#### منبع

[سایت پژو هه، برگرفته از مقاله «اصنام»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۴/۱۸.](#)